

FIEFDOM NEEDS NO PARTY BYLAWS

<http://www.ghandchi.com/280-Bylaws-plus.htm>

خانخانی اساسنامه حزبی نمیخواهد

بیش از یک سال پیش درباره مسأله خانخانی در تشکیلات های سیاسی ایران [مقاله ای](#) نوشتم. متأسفانه از آن زمان تا کنون نه تنها این مسأله تغییری نکرده است، بلکه تشکیلات هایی که به تازگی شکل گرفته اند نیز با همین اشکال روبرو هستند.

در واقع تشکیلات های سیاسی ایران در عصر مدرن، از چپ تا راست، همگی با این مشکل روبرو بوده اند. جالب توجه است که یکی از تشکیلات های بزرگ تاریخ معاصر ایران، کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج کشور، از این نظر بسیار پیشرفته بوده، و بیشتر واحد های آن از [s Rules 'Robert of Order](#) پیروی میکرده اند، ولیکن حتی تشکیلات های سیاسی که فعالین این انجمن های دانشجویی به آنها تعلق داشتند، کماکان خانخانی اداره میشدند، و این روشها ی غیردموکراتیک تحت عنوان مخفی کاری و نیازهای امنیتی توجیه میشدند.

مثلا در اکثر این سازمانها انشعاب ها اینگونه بودند که آند سته که کنترل دستگاه چاپ را داشتند صاحب نشریه سازمان میشدند، و گروه دیگر میبایست میرفتند و امکانات جدید ایجاد میکردند. همینگونه بخش مالی و غیره "تقسیم میشد". به عبارت دیگر هیچ قراردادی نبوده که در زمان جدائی اینگونه دارائی ها بر آن مبنی تقسیم شوند، و چون هر دو دسته فکر میکردند حق با آن ها ست، و بر مبنی آنکه هدف وسیله را توجیه میکند، به خود حق میدادند که خود را صاحب همه چیز بدانند، و حتی نظیر تاریخ نویسان عصر استالین گروه دیگر را از تاریخ تشکیلات حذف میکردند.

اگر تشکیلاتی رسماً یک مجله فردی بود بر چنین روشهایی خرده نمیبایست گرفت، و لیکن این ها چنین نبودند و اساساً کار شخصی یک فرد نبودند.

سوال این است که چگونه فرد یا افرادی بدون قرارداد روشنی با هم تشکیلات میساختند؟ و آیا اگر چنین قراردادی داشتند میتوانست در شرایط فعالیت مخفی و حتی غیر قانونی، ضامن اجرایی داشته باشد؟ بنظر من بله. اگر اعضاء سازمان با [هدف وسیله را توجیه میکند](#) مخالف بودند و اگر اساسنامه داشتند که موارد جدائی را پیش بینی کرده بود، میشد امید داشت که در این موارد خانخانی عمل نشود. انشعاب میتوانست به علت اختلاف فکری، اختلاف استراتژی، اختلاف سلیقه و یا حتی [حسادت](#) باشد ولی نتیجه اش این نمیشد که آنانکه ریش و قیچی را در دست دارند یک شبه دیگران را نظیر بوخارین از تاریخ حذف کنند.

متأسفانه اینگونه عملکردها در جنبش سیاسی ایران قبول شده و بسیاری به این باور رسیدند که سیاست یعنی "دوز و کلک" و غیر آنرا ساده لوحی خواندند. اقلأ میتوانم بگویم که چنین مفهومی برای بسیاری دیگر، که جان در راه آرمان های سیاسی خود نهادند، مورد پذیرش نبوده و نیست.

آیا داشتن اساسنامه دموکراتیک و مترقی مهم است؟ مطمئناً. کفایت ببینیم که چگونه بسیاری افرادی که میخواستند سازمانی را ترک کنند ترور شخصیت شده اند و یا در مواردی ترور فیزیکی شده اند. حتی اگر اعتقادشان هدف وسیله را توجیه میکند، نبود، و اساسنامه دموکراتیک هم داشتند، شاید باز هم اینگونه

فجایع اتفاق مییافتادند، اما مطمئناً کمتر، و طی سال های متمادی، این حقوق در تشکیلات های سیاسی ایران نهادینه میشدند، و نه آنکه پس از بیش از یک قرن، اساساً جنبش سیاسی ما هنوز خانخانی عمل میکند، و حتی برنامه های اتحاد و همکاری آن هم خانخانی ارائه شده و عمل میشوند.

لازم است یاد آور شوم که من وجود و اهمیت رهبران فکری Leaders Opinion، که صاحب نظرانی نظیر هایک F. A. Hayek خاطر نشان کرده اند، را نمیکنم، و لیکن تفاوت بسیار است بین رهبری فکری که نتیجه ارائه افکار است، و قدرت امثال استالین که نتیجه استفاده حیله گرانه آنها از اهرم های تشکیلاتی بوده و هست.

این موضوع مایکرو پولیتیک Micropolitics فقط به مسأله اعضاء سازمانها محدود نیست و مطمئناً هر سازمانی مدل روابط سازمان خود را به کل جامعه بسط میدهد، اگر که قدرت را بگیرد، و در نتیجه همانگونه که در شوروی به وضوح آشکار شد، این مسأله جامعه پس از آزادی است. مسأله به غلط کیش شخصیت خوانده شده است، چرا که بی شخصیت ترین رهبران شوروی پس از استالین هم آنرا بر احوالی دادند.

خانخانی اساسنامه حزبی نمیخواست. عدم تدوین اساسنامه دموکراتیک، و عدم رشد روحیه احترام به اصول اساسنامه نتیجه اش همین روحیه نسبت به قانون اساسی بود، و بالاخره رشد طرز فکر هدف وسیله را توجیه میکند که از حزب شروع شده بود، به کل جامعه بسط یافت، و ثمره جانفشانی ها را به استبدادی وحشتناک تر از تراریسم مبدل کرد.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

5 آبان 1382

Oct 27, 2003

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com/BasicWritings.htm>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>